



دولت‌آبادی؛ انسان خودساخته، منتقد و آرمان‌گرا

دکتر محمدامین احمدی

تاریخ‌نگاری رسمی، اسطوره‌ای و ساختگی است و از این حیث به شدت منتقد تاریخ رسمی بود. برای مثال در تاریخ رسمی، مردم افغانستان، آریایی شمرده می‌شود، دولت‌آبادی حتی نسبت به این ادعا به دیده تردید می‌نگریست و می‌گفت این سخن در متون تاریخی قدیم وجود نداشت و در زمان امانی توسط یک بخارایی مطرح شد. من در جواب ایشان این نکته را مطرح می‌کردم که این تقسیم‌بندی از اقوام و نژادهای بشری حاصل دوره جدید است که با استفاده از روش‌های جدید تحقیق تاریخی به بازخوانی تاریخ اقوام و

دولت‌آبادی انسان خودساخته، منتقد و آرمان‌گرا بود. می‌توان این ویژگی‌ها را در فعالیت‌ها و دیدگاه‌های او به درستی مشاهده کرد، که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم:

۱. دولت‌آبادی و تاریخ‌نگاری سرکوب شدگان

تاریخ‌نگاری برای دولت‌آبادی کار منشئیانه و ثبت احوال سلاطین و حکام، ساختن تاریخ پر شکوه و باستانی برای یک دولت - ملت نبود، بلکه وجهه همت آن معطوف به افشای این واقعیت بود که

بخش اول: نگاهی به ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی دولت‌آبادی ☒

و ملل پرداخته‌اند.

اما امروزه، کم و بیش تردیدهایی در مورد این تقسیم‌بندی قرن نوزدهمی به وجود آمده و گفته می‌شود که این تقسیم‌بندی چندان اساس علمی ندارد. به این ترتیب تردید دولت‌آبادی قوت یافته است.

دولت‌آبادی معتقد بود که تاریخ سیاسی جدید افغانستان را نوعی هژمونی و استبداد قومی و قبیله‌ای رقم زده است و در نتیجه آن، اقوامی زیاد در این کشور به حاشیه رانده شده، سرکوب و حتی دست‌خوش پاکسازی قومی شده‌اند، و از جمله پیامدهای آن روی‌آوری هزاره‌ها به کتمان هویت خویش بوده است. از این حیث تاریخ‌نگاری دولت‌آبادی در کنار نقد تاریخ رسمی، روایت‌گر رنج بی‌شمار هزاره‌ها است و این‌که چگونه برای زنده ماندن و حفظ خویش بعضاً حتی به کتمان هویت خود روی آوردند.

۲. دولت‌آبادی و هویت هزارگی

هویت از مفاهیم اساسی دیدگاه دولت‌آبادی است. او معتقد بود که نتیجه سرکوب تاریخی هزاره‌ها کتمان هویت و به حاشیه رانده شدن این قوم بوده است و لذا از نگاه ایشان و تا حدودی سایر همکارانشان در مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، حضور قدرت‌مندان حزب وحدت اسلامی در کابل نوعی احیای هویت این قوم به حساب می‌آمد و در تحلیل این وضعیت رساله‌ای تحت عنوان «احیای هویت» به قلم دولت‌آبادی و با همکاری استاد دانش که در آن وقت رئیس مرکز بود، توسط مرکز منتشر شد.

مبارزه هزاره‌ها عدالت‌خواهانه و احیای هویت دانسته شد و دقیقاً در همین راستا، استاد دانش با همکاری دولت‌آبادی رساله عبدالخالق هزاره را منتشر کرد، به گفته استاد دانش تحریر این رساله به قلم او بوده است و دولت‌آبادی با وی همکاری داشته است. به هرحال محصول کار مشترک این دو بزرگوار بوده است. این رساله قهرمانی جدید در تاریخ مبارزات هزاره‌ها به وجود آورد با روایت بی‌سابقه و متفاوت با روایت رسمی و با روایت گروه‌های چپ، روایت رسمی هویت قومی عبدالخالق را هرگز افشا نکرد و در توضیح واقعه می‌نوشت که این قتل دسیسه‌خاندان چرخ‌ی بوده و عبدالخالق تحت تأثیر احساسات عاطفی و پیوند ارباب و رعیتی که با این خانواده داشته، دست به قتل نادر خان می‌زند، در روایت چپ نیز هویت قومی عبدالخالق ذکر نمی‌شود و گفته می‌شود که حلقه‌ای از

جریان آزادی‌خواهی و ضد استبدادی در این قتل دست داشته است. اما در این روایت، برای بار نخست بود که گفته می‌شد عبدالخالق از هزاره‌های ارزگان بوده که خانواده‌اش به صورت آسیر در لوگر منتقل می‌شود. و در واقع نادر خان را به انتقام ستم و قتل عام هزاره‌های ارزگان که به دست سلسله نادر خان انجام شده بود، به قتل رساند. پس یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات مردم هزاره به حساب می‌آید.

در نقد این پروژه (دیدگاه) یادآور شده و اشاره می‌کنم که احیای هویت هرچند بستری اجتماعی فراگیر و قوی برای یک مبارزه فراهم می‌کند، و در نتیجه الهام‌بخش و انسجام‌آفرین است، چنان‌که در مقاومت هزاره‌ها در سال‌های جنگ و نبرد برای تثبیت قدرت و وزن سیاسی اقوام چنین نقشی ایفا کرد و تا کنون توانسته است هزاره‌ها را گردهم آورد، اما در دراز مدت مانع از انسجام همه عدالت‌خواهان بر محور ارزش‌ها و اهداف مشترک می‌شود. هویت‌های متصلب همه چیز را در محور قومیت قرار می‌دهد، باعث و موجب چیزی می‌شود که امروزه سیاست هویتی نامیده می‌شود.

به هرحال مرحوم دولت‌آبادی در ارائه روایت تاریخی پر شور از هویت هزارگی، نقشی مهم و ماندگار ایفا کرد.

۳. دولت‌آبادی و شهید مزاری

در واقع دولت‌آبادی هرچند فردی خودساخته بود اما تا حدودی رشد و بالندگی خود را در سیاست، روزنامه‌نگاری و کار فرهنگی از همکاری شهید مزاری بهره‌مند شده بود. او مرید سیاسی شهید مزاری بود و به صداقت او شدیداً باور داشت و از سخنانش پیدا بود که در محضر خود وی با او درمیان گذاشته بوده است که به هر قیمتی که می‌شود، برای هزاره‌ها حامی پیدا کند و این قوم را نجات دهد. او این نکته را از مطالعه تاریخی سیاست افغانی آموخته بود.

۴. دولت‌آبادی و انتخاب موضوعات ابتکاری و مورد نیاز

دولت‌آبادی در انتخاب موضوعات مورد نیاز و ابتکاری تا حدودی موفق بود: برای مثال شناسنامه احزاب افغانستان یک کار منحصر به فرد و ابتکاری بود.

